



تصویر گر: مجید باقرزادگان

آورده اند که ...

آموختن سکوت از حیوانات

◀ نادانی می‌خواست به الاغی سخن گفتن بیاموزد. گفتار را به الاغ تلقین می‌کرد و به خیال خود می‌خواست سخن گفتن به الاغ یاد دهد.

◀ حکیمی او را دید و گفت: ای نادان! بیهوده کوشش نکن و خودت را مورد سرزنش قرار نده و این خیال باطل از سرت بیرون کن. زیرا الاغ از تو سخن گفتن نمی‌آموزد، ولی تو می‌توانی خاموشی و سکوت را از الاغ و سایر چارپایان بیاموزی. نیاموزد بهایم از تو گفتار تو خاموشی بیاموز از بهایم

گلستان سعدی



گفتگوی ثروتمندزاده و فقیرزاده

▶ ثروتمندزاده ای کنار قبر پدرش نشسته بود و در کنار او فقیرزاده‌ای هم کنار قبر پدرش بود. ثروتمندزاده با فقیرزاده مناظره می‌کرد و می‌گفت: صندوق گور پدرم سنگین است و نوشته روی سنگ رنگین است.

مقبره‌اش از سنگ مرمر فرش شده و در میان قبر، خشت فیروزه به کار رفته است، ولی قبر پدر تو از مقداری خشت خام و مشتی خاک درست شده است. این کجا و آن کجا؟

▶ فقیرزاده در پاسخ گفت: تا پدرت از زیر آن سنگ‌های سنگین بجنبد، پدر من به بهشت رسیده است.

گلستان سعدی